

آشنایی با هنرهای سنتی ایران

زهره تجویدی - محمدعلی شاکری راد

گروه هنر

ویراستار علمی: حمید آقاخانی

فهرست

هفت	مقدمه
۱	فصل اول: سفالگری
۵۵	فصل دوم: شیشه‌گری
۱۰۵	فصل سوم: فلزکاری
۱۴۷	قلمزنی
۱۵۵	میناکاری
۱۶۹	ملیله‌سازی
۱۸۷	فصل چهارم: پارچه‌باقی و پارچه‌های قلمکار
۱۹۶	پارچه‌های قلمکار
۲۱۷	فصل پنجم: قالبیافی و گلیم‌بافی
۲۱۷	قالبیافی
۲۸۸	گلیم‌بافی
۳۱۹	فصل ششم: هنرهای دستی چوبی ایران
۳۲۰	منبت‌کاری
۳۶۱	خاتم‌سازی
۳۶۵	فصل هفتم: جلدسازی و هنر قلمدان‌سازی (پایه ماشه)
۳۷۳	فصل هشتم: نقاشی ایرانی
۳۹۳	فهرست مأخذ کتاب آشنایی با هنرهای سنتی

مقدمه

مراد از نوشتن این مجموعه معرفی تاریخ افتخارآمیز هنرهای سنتی ایران است که در واقع آمیزه‌ای از هنر و صنعت می‌باشد.

آنچه بشر ماقبل تاریخ به وجود آورده در عین برآورده ساختن اشیاء مورد نیاز روزمره خود، نقوشی که روی آنها به کار رفته مبین افکار و اعتقادات این مردمان به مفاهیم ماورایی است.

انسان باستانی که به وجود زندگی پس از مرگ باور داشته، از آنجا که هنوز چگونگی بقای روح قبل از پیدایش مذاهب و ادیان الهی آشکار نبود، در هنگام دفن مردگان خود، اشیاء و لوازم مورد نیاز روزمره زندگی آنها مانند آذوقه، ظروف سفالین و فلزی، ابزارآلات شکار و جنگ را با او دفن می‌نمودند و به این ترتیب با گذشت زمان آثار نفیس و زیبایی در دل خاک مدفون گردیده است. این رسم و عادات در ایران همانند سایر ملل در دوران پیش از تاریخ و پس از آن متداول بوده است. مضافاً براین بلایای آسمان گاهی شهری را با مردمان و اشیاء و لوازم آن در خاک دفن شده‌اند. هرازگاهی اشیایی که به صورت تصادفی از این شهرها و گورستانها در حفاریات باستان‌شناسی و یا توسط افراد سودجو به دست آمده است، که موجبات آگاهی و تلاش مردمان پیشین در هنر و حیات خویش می‌باشد، همواره مشوق بشر است که به‌نوبه خویش ادای دین به فرهنگ و تمدن نماید.

فصل اوّل

سفالگری

سفالگری

سفالگری یکی از نخستین صنایعی که به دست بشر به وجود آمده سفالگری بوده است. قدیمیترین تاریخ ظهور سفال ده هزار سال قبل از میلاد مسیح است که نمونه‌های آن را گیرشمن در حفاریات منطقه بختیاری به دست آورده است. این ظروف بسیار ناهموار و خشن بوده، و تماماً با دست ساخته شده و نیز پخته نشده‌اند و توسط بومیان قدیم ایران که قبل از آریاییها در فلات ایران زندگی می‌کرده‌اند ساخته شده است [۱].

سفالهای اولیه دست‌ساز و دارای مقداری کاه و گاهی موی بز بوده‌اند تا در مراحل نخست ساخت، پس از شکل‌گیری و خشکیدن ترک برندارند. از جمله این سفالها که در آفتاب نیم‌پخته شده بودند، خمره‌هایی است که برای ذخیره آب و غذا بوده و گنجایش صد تا دویست لیتر آب را داشته‌اند [۲].

در شش هزار سال قبل از میلاد اولین نشان کوره پخت در صنعت سفال دیده می‌شود، زیرا ظروف سفالینی که از آن دوره باقی مانده تا حدودی آتش‌خواری باشد [۳].

احتمالاً مردمان آن دوره هنگامی که مشغول پختن گوشت شکار بوده‌اند قطعاتی گل به‌طور تصادفی در کنار آتش قرار گرفته و آنها متوجه این نکته شده بودند که با آتش دادن به گل، آنرا سخت و سفت ساخته تبدیل به جنسی دیگر می‌گردد. باگذشت قرون و اعصار متمدنی کم‌کم به این نکته پی‌بردند که چنانچه ظروف گلین را در جای

محفوظ قرار داده و به آنها به قدر لازم حرارت بدهند، ظروف محکمتر خواهند شد. آنها برای رفع نیازمندیهای زندگی خود ظرفهایی از گل پخته می‌ساختند که غالباً اثر دست و انگشتها و یا اثر چیزهای دیگر مانند یک قطعه پوست روی آنها دیده می‌شود [۴]. در بسیاری موارد خطوط عمودی و افقی مانند سبببافی روی آنها نمایان است [۵]. اشیایی که پیش از آن بشر موفق به ساختن آنها شده بود سبدهای حصیری بوده است و در بسیاری موارد سبد حصیری به‌عنوان قالبی برای درست کردن ظروف سفالی به‌کار می‌رفته است.

اولین پیشرفت در صنعت سفالسازی نقاشی روی آن است. نقوشی که پیش از ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد آغاز شده بود، نخستین کتاب به‌شمار می‌رود، زیرا که طرح و نقش این ظرفها، اگرچه جنبه تزیینی آنها اساسی بود، ولی برای سازندگان و کسانی که آنها را به‌کار می‌بردند بسیار بیش از تزیین اهمیت داشت. این نقوش بیان بیمها و امیدها و برای استعانت از قوای طبیعی در مبارزه وحشتناک حیات است.

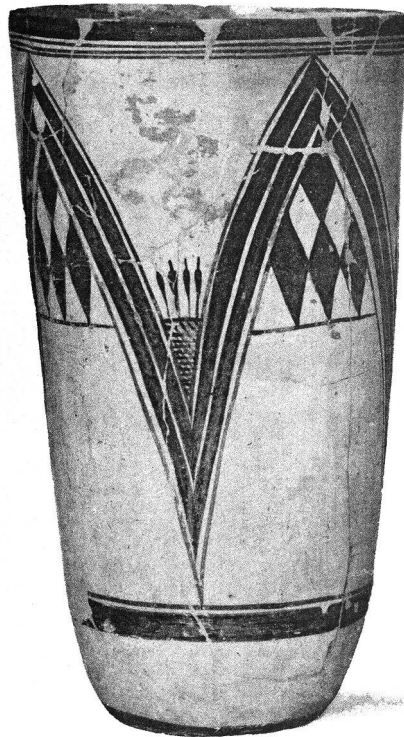
مثلاً لیوان کشف شده در شوش علامت کوهی را نشان می‌دهد که سه بار تکرار شده و میان هردو قلعه آن آبدانی است که چهار نی از آن روئیده است (شکل ۱). زیرا کوه از زمانهای کهن اهمیت بزرگی داشته و در قدیمیترین افسانه‌ها مربوط به آفرینش، کوه را مخلوق نخستین دانسته‌اند که مانند نقش لیوان شوش از آبهای دوره نخستین بیرون جسته است کوه در عقیده ملتهای ابتدایی نگهبان و منبع قوای حیات و خود دارای نیروی تولید و سرچشمه زندگی و مظهر حاصلخیزی و فراوانی بوده است و در نقش این لیوان نی‌هایی که در پای کوه روئیده اشاره به تأثیر آب در رویاندن گیاه است [۶].

نقوش سفالهای دوران پیش در تاریخ بیانگر اعتقادات مذهبی آنان می‌باشد و کلیه حیوانات اهلی مورد پرستش قرار می‌گرفتند، زیرا این نوع حیوانات برای آنان مظهر خدایانی تلقی می‌شدند که در شکل و هیأت حیوان درآمده‌اند [۷].

در یک لیوان سفالی دیگر که از شوش به‌دست آمده (شکل ۲) نقش بز با شاخهای بینهایت بزرگ رسم گردیده که در میان شاخهای آن قرص کامل ماه که نقش امواج آب و یک شاخه گیاه میان آن نقش شده دیده می‌شود. به احتمال قوی میان شاخهای خمیده بز و ماه ارتباطی متصور بوده است و ماه از زمانهای قدیم با باران و

سفالگری ۳

آب مربوط شناخته می‌شد و ماه که در میان شاخها قرار گرفته گویی مخزن آب را در بر دارد [۸].



شکل ۱. سفال منقوش. شوش. ۳۵۰۰ قبل از میلاد. ارتفاع ۲۹/۵ سانتیمتر

سفالگرانی که نقش این سفالها را در ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد ابداع کردند، برای آنکه جنبه کارشان به این درجه از کمال برسد می‌بایست از روی فهم و قصد کوشش عظیمی به کار برده باشند، خاک رس را برای آن که نرم کنند می‌ساییدند و اغلب الک می‌کردند. سفالگران هنوز آن چرخهای پایی تند حرکت را که بعدها به وجود آمد نداشتند. ابزار کارشان فقط چرخ دستی بود که روی آن با دست، ظروف را گرد می‌کردند و جود این چرخها بی‌شک بهتر از آن بود که هیچ وسیله‌ای برای چرخاندن توده گل رس نداشته باشند. اما البته کافی نبود با این حال لیوانها را متناسب و دیواره آنها را به نازکی مقوا درمی‌آوردند. آن‌گاه سطح خارجی آنها را با لعابی که از خاک رس

بسیار ساییده‌تر و آب به‌وجود می‌آوردند، می‌پوشاندند.



شکل ۲. لیوان منقوش شوش ارتفاع ۲۹ سانتیمتر

نقشها با اکسید منگنز سائیده شده طراحی می‌کردند آن‌گاه ظروف را در کوره‌ای ابتدایی می‌گذاشتند که میزان حرارت آن با وسایل ابتدایی منظم می‌شد، می‌گذاشتند. این سفالگران موفق شدند که ظرفهای خود را بی آن که تغییر شکل بدهند در این کوره‌ها بپزند، به‌طوری که مثل ظرفهای چینی صدا بدهد. نقشها برحسب درجه حرارت به‌رنگی از بنفش تند تا سیاه درمی‌آمد و براق می‌شد [۹].

باید اذعان کرد که سفالگران ایرانی در ساختن ظروف سفالین به اندازه‌ای مهارت به خرج داده‌اند و به قدری این نقوش را با روح و زیبا مجسم کرده‌اند که شاید در هیچ جای دیگر نظیر این ظروف دیده نشده است. بنابراین می‌توان ایران را زادگاه اصلی سفال منقوش دانست [۱۰].

ظروف گوناگون دیگری نیز متعلق به این دوران از نقاط مختلف ایران به دست آمده مانند قوریهای لوله‌دار، کاسه‌های زیبا، خمره‌هایی که برای ذخیره غلات و حبوبات به کار برده می‌شده. این ظروف که گاه از گل رس بوده به رنگ قرمز می‌باشند، اما به رنگهای دیگر چون نخودی و خاکستری نیز دیده می‌شود [۱۱].

با اینکه یک نوع تنوع و هم‌آهنگی بین آثار این نواحی مشاهده می‌شود، باز سبکهای مختلف در ساخت آنها به کار برده شده که وجه تمایز یک دسته از دسته دیگر و یا یک ناحیه با نواحی دیگر می‌باشد. چنانکه سفالگر شوش سازنده اولین لیوانهای بلند و باریک با دیواره‌های نازک می‌باشد درحالی که سفالگران تپه سیلک کاشان و تپه حصار دامغان بوجود آورنده کاسه‌ها و همچنین ظروف لوله‌دار بوده‌اند. وجه تمایز دیگر این ظروف طرحهای منقوش بر آنهاست [۱۲].

سفالهای سیلک کاشان

از این منطقه پیه‌سوزهای لوله‌دار، کاسه‌های بزرگ و کوچک، همچنین جامهای بلند پایه‌دار کشف گردیده. این ظروف علاوه بر اینکه مبین تمدن بسیار قدیمی است از نظر شکل و نقش نیز شایان توجه می‌باشد. در ظروف سیلک نقاشیها زیاد و مفصل است [۱۳].

نمونه بسیار زیبایی از این نوع ظروف، پیه‌سوزی لوله‌دار است که در محفظه آن روغن و در لوله آن فتیله قرار می‌گرفته (شکل ۳). در محل اتصال لوله به بدنه نقوش دایره‌وار و نقوش هندسی و همچنین شعاعهای خورشید دیده می‌شود که القاء کننده نوری است که از انتهای لوله این پیه‌سوز خارج می‌شده و نقش انسانی نیز با نیزه در روی آن دیده می‌شود.

نقش خورشید بر روی بسیاری از این نوع ظروف به کار رفته. بز کوهی از جمله طرحهایی است که روی ظروف سیلک زیاد دیده می‌شود ولی به سرعت اسب جای آن را می‌گیرد. خورشید و اسب دو مظهری است که همه اقوام هند و اروپایی آنها را به یکدیگر مرتبط ساخته‌اند که به تدریج مقام ارجمندی در هنر به دست آوردند [۱۴].



شکل ۳



شکل ۴. قدح دهانه تنگ اسمعیل آباد شهریار هزاره چهارم قبل از میلاد



شکل ۵. تنگ سفالی دسته‌دار تپه گیان نهاوند ۸۰۰ - ۴۰۰ قبل از میلاد

به‌طور کلی تزیینات روی سفالهای سیلک عبارتند از: خطوط افقی یا عمودی، خطوط موج‌دار (که تداعی کننده آب می‌باشد) اشکال گوناگون هندسی - ترکیب خط و نقش پرنده - ترکیب خط و نقش گیاه، نقوش حیوانات و تصاویر انسان [۱۵]. از نقاط دیگر ایران نیز مانند اسمعیل‌آباد - تپه حصار دامغان و لرستان اشیاء سفالی منقوش فراوانی به‌دست آمده است [۱۶]. در بین آثار به‌دست آمده از تپه حسنلوی آذربایجان پیه‌سوزی به‌دست آمده که دارای نقوش برجسته بر روی سفال خاکستری می‌باشد (شکل ۶) که متعلق به اواخر هزاره دوم و یا هزاره اول قبل از میلاد است.

سفال در دوره هخامنشی

از دوران هخامنشی تعداد کمی از ظروف سفالین منقوش به‌دست آمده که آنها از نظر ظرافت و زیبایی نمی‌توانند با ظروف سفالین دوره‌های قبل برابری کنند. احتمالاً

توجه زیاد پادشاهان هخامنشی به استفاده از ظروف طلا و نقره باعث گردید که ظروف سفالین این عصر راه تنزل پیش گیرد.



شکل ۶. پیه‌سوز متعلق به اواخر هزاره دوم

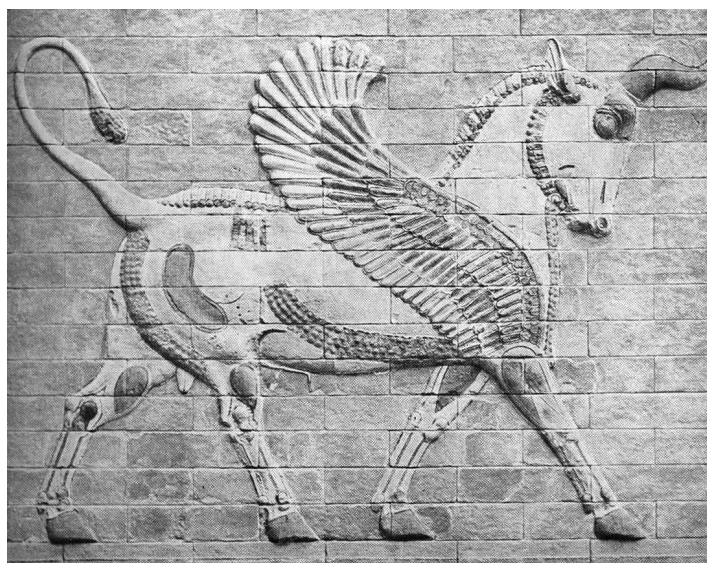
در مقابل در تزیین بناها از کاشیکاری استفاده شد که نمونه‌های آن را در کاخ شوش و آپادانا در تخت‌جمشید به‌دست آمده است (شکل ۷ و ۸). این آجرهای سفالی منقوش رنگین از شاهکارهای کاشیکاری هفت‌رنگ می‌باشد که با رنگهای سفید، زرد، کبود و سیاه لعاب خورده است

سفالسازی در دوره اشکانی

به‌طور کلی می‌توان گفت سفالگری در دوره اشکانیان و ساسانیان چندان موردتوجه قرار نگرفته است. نقوشی که بر روی ظروف یا قطعات ساخته شده در این دوران مشاهده می‌شود، بیشتر محدود به خطوط مستقیم، منحنی، شکسته، زیگزاکی است، همچنین طرحهایی با استفاده از نقطه‌چین، دایره‌های کوچک یا گلبرگهایی است که دور یک محور قرار گرفته‌اند. اشیاء سفالی این دوران فقط برای مصارف خانگی مردم عادی و ذخیره آذوقه بوده است و اشیاء تجملی و زیبا را فقط از فلزات گرانبها می‌ساختند.



شکل ۷



شکل ۸. کاشیکاری کاخ شوش

در دوره اشکانی صنعت لعاب‌دهی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد و به‌خصوص استفاده از لعاب یکرنگ برای پوشش جدار داخلی و خارجی ظروف سفالین معمول گردید [۱۸].

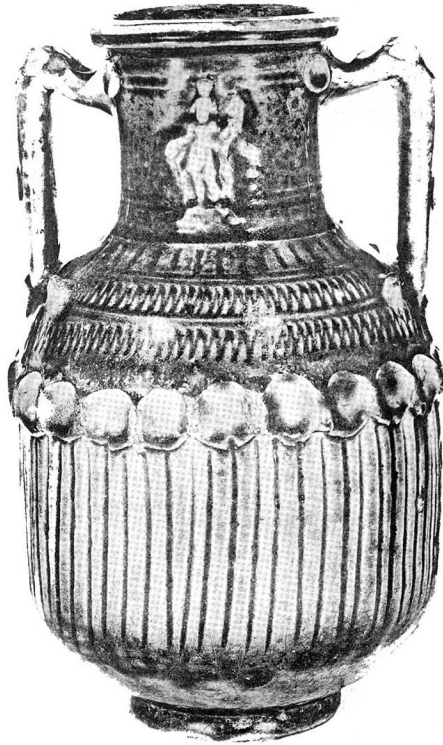
سفال‌سازان در این دوره لعاب را نسبتاً ضخیم می‌دادند و در نتیجه فقط ساده‌ترین نقوشی که بر روی اشیاء حک می‌شد، ممکن بود از زیر آن دیده شود [۱۹]. صنعت لعاب‌سازی در زمان اشکانیان در نتیجه ارتباط تجاری و سیاسی بین ایران و خاور دور به چین راه یافت و سفالگران چین از فنون لعاب‌دهی رایج در ایران برای پوشش ظروف سفالین خود استفاده می‌کردند [۲۰].

اشیایی که از این دوران باقی مانده عبارتند از خمره‌های بزرگ جهت انبار کردن آذوقه و گلدانهایی که اغلب دارای دسته بودند و ظروف قمقمه‌ای شکل و پیه‌سوزهایی که ظروف کروی است که یک طرف آن لوله دارد. خود ظرف جهت روغن و لوله برای قرار دادن فتیله می‌باشد. و نیز تابوتهایی است که بعضی از آنها دارای سرپوشهایی است که اشکال انسانی بر روی آنها نقش گردیده [۲۱].

در میان این اشیاء ظروفی است که دارای نقوش کنده و نقوش برجسته هستند (شکل ۹) همچنین ظرفهای خانه‌بندی شده و آبخوریهایی که با سر حیوانات تزئین شده این آبخوریها در اصطلاح باستان‌شناسان رتیون نامیده می‌شود شکل (۱۰ و ۱۱) لعاب داده شده بر روی این اشیاء لعاب یکدست بوده و شامل رنگهای کرم مایل به زرد خاکستری روشن و به خصوص سبز و آبی می‌باشد [۲۲].

سفال در دوره ساسانی

با اینکه در دوره ساسانی هنر، صنعت و معماری روبه کمال رفت، ولی سفال‌سازی پیشرفت زیادی ننمود. گرچه ظروف سفالی باقیمانده از دوره ساسانی از بعضی جهات با سفال اشکانی متفاوت است و از بعضی جهات برتری دارد، ولی روی هم‌رفته ظروف سفالین این زمان عبارت است از ظروفی بسیار ساده و با لعاب یکرنگ. لعاب دادن ظروف که از دوران اشکانی شروع شد در عصر ساسانی ادامه داشت ولی رنگها همان است که در دوره اشکانی معمول بوده و از دو رنگ سبز و آبی تجاوز نمی‌کرد.



شکل ۹. گلدان اشکانی با نقوش کنده و قطعات افزوده

علاوه بر ظروف لعابدار تعدادی ظروف سفالین بدون لعاب از این دوره به یادگار مانده که روی بعضی از آنها نقوش کنده و یا نقوش قالب زده افزوده به اشکال مختلف دیده می‌شود [۲۳] (شکل ۱۲).

در تزیین بنا مجدداً هنر هخامنشی به صورت تقلیدی ظاهر گردید و ساخت کاشیهای زمان هخامنشی با همان شیوه ولی با لعاب ضخیمتر رایج شد. نمونه‌های متعددی از این کاشیها در کاوشهای فیروزآباد و بیشاپور به دست آمده است. در دوره ساسانی علاوه بر هنر کاشیکاری هنر موزاییک‌سازی نیز متداول گردید. کیفیت موزاییکهای مکشوفه در بیشاپور ادامه سبک و روش هنری است که در دوره اسلامی به شیوه معرق (یعنی کاشیکاری به رنگهای مختلف که از قطعات کاشی بریده شده که پهلوی هم قرار داده می‌شد) در کاشیکاری تجلی نموده است [۲۴].



شکل ۱۰. آبخوری با سر گاو



شکل ۱۱. ظرف خانه‌بندی



شکل ۱۲. ظرف سفالی بدون لعاب با نقش افزوده قالب زده

کف موزاییکی قصرهای تیسفون و بیشاپور از آن جمله است. پوشش دو ایوان شرقی و غربی قصر بیشاپور از موزاییک به رنگهای مختلف و نقوش گل و گیاه، پرندگان و بخصوص انسان را شامل می‌گردد [۲۵].

سفالگری در دوران اسلامی

پس از حمله اعراب به ایران دوره جدیدی در کلیه صنایع و هنرها آغاز گردید. باید اعتراف کرد که چون ایرانیان از نظر تمدن و صنعت و هنر بر اعراب برتری داشتند، ابتدا آثار ایرانی همان مسیر اصلی و قدیمی خود را پیمود. از مختصات معنوی ملت ایران در طول تاریخ یکی این بوده که همیشه تازه‌های مهاجم را در تمدن خود تحلیل برده و سبب رونق بیشتر هنر خود گردیده است [۲۴].



شکل ۱۳. سفال موزاییکی زمان ساسانی

با اسلام آوردن ایرانیان، به علت تحریم استفاده از ظروف طلا و نقره هنرمندان ایرانی به سفالگری روی آوردند. اوایل ظروف سفالین آنها کاملاً شبیه به همان نمونه‌های پیش از اسلام بود. ولی کم‌کم سفالگران مهارت بیشتری کسب کردند و روشهای نوینی در سفالگری به وجود آوردند یکی از روشهایی که برای ساخت ظروف سفالی به کار بردند تزیین ظروف که به رنگ قرمز شنگرفی بوده است دسترسی پیدا نموده‌اند سفالی بی‌لعب بوده است. گلی که در ساخت این ظروف به کار برده می‌شد به رنگهای نخودی، قرمز و خاکستری است. مهمترین اشیاء ساخته شده با این روش ظروفی شامل، خمره، کوزه، کاسه، بشقاب، گلدان، قمقمه و دیگر انواع ظروف سفالین موردنیاز زندگی روزمره بوده است [۲۷].

نقوش تزیینی این ظروف از نظر تکنیک ساخت به چند دسته تقسیم

می شوند:

الف) ظروف با نقش کنده (حک شده). این روش از دوران باستانی در ایران از متداولترین تزیینات کارگاههای سفالگری از اوایل دوران اسلامی تا قرن سیزدهم هجری ادامه داشته است. نقوش کنده متنوع بوده و شامل نقوش هندسی، موجی، زیگزاکی، نقطه‌چین، خطوط موازی عمودی و افقی و نقوش گیاهی و انسانی بوده است [۲۸].

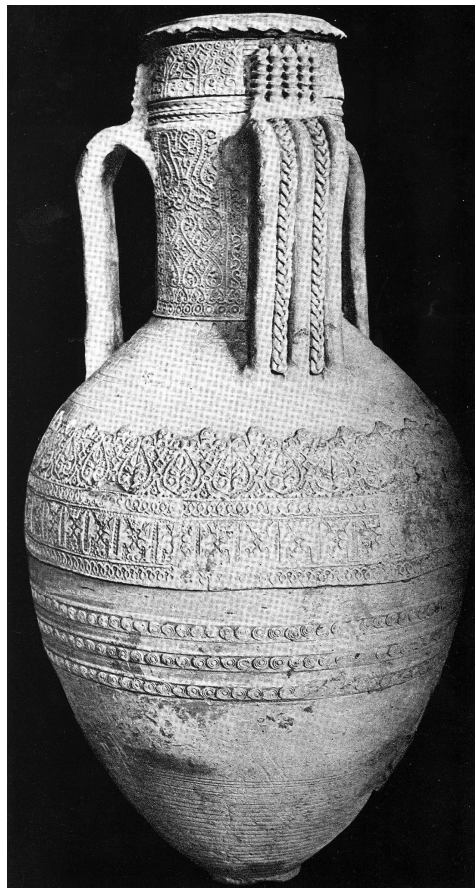
ب) نقوش افزوده. به این ترتیب بوده است که پس از ساخت ظروف سفالی، تزیینات را به صورت نقوشی جداگانه ساخته و به بدنه ظرف متصل می‌ساختند. این نقوش اغلب به صورت طرحهای هندسی، گیاهی و در بعضی موارد طرحهایی از انسان و حیوانات بوده است [۲۹].

ج) نقش قالب زده. زیباترین تزیین سفال بی‌لعب نقش قالب زده است. نقوشی و طرحهای قالب زده، از قالبی با نقش منفی به دست می‌آید، که قالب از جنس سفال سخت یا سنگ ساخته می‌شده و نقش به دست آمده را به صورت افزوده روی ظرف متصل می‌ساختند شکل ۱۴. نقوش قالب زده متنوع و عموماً شامل نقشهای هندسی مثل مربع، مثلث، دایره متعدد و بالاخره نقوش گیاهی مانند درختهای تزیینی چون سرو و شاخ و برگ و گل‌های اسلیمی می‌باشد [۳۰].

تزیینات قالب زده از اوایل اسلام تا دوره ایلخانی مرسوم بوده ولی اوج ترقی آن دوره سلجوقی یعنی قرن پنجم و ششم هجری می‌باشد و شهرهای نیشابور و ری را می‌توان مراکز اصلی ساخت آن دانست [۳۱].

د) سفال با پوشش گلی. در اوایل دوران اسلامی هم‌زمان با آغاز نهضتها و جنبشهای ایرانی و تأسیس سلسله‌های مستقل مانند طاهریان و سامانیان اغلب هنرها بخصوص سفالگری رونق تازه‌ای یافت و در قرن سوم و چهارم هجری از نظر تکنیک و تزیین تحول چشمگیری در هنر سفالگری بوجود آمد. استفاده از پوشش گلی یا SLIP که جهت تزیین به کار می‌رفت از همین زمان آغاز می‌شود پوشش گلی در رنگهای مختلف به کار برده می‌شد، ولی غالباً رنگ سفید یا شیری بوده است [۳۲].

برای تهیه این پوشش، خاک رس یا کائولن و یا خاکی هم‌جنس با خود شیئی را بسیار ساییده و با آب مخلوط نمود. به صورت دوغاب در می‌آوردند و اشیاء سفالی را با آن پوشش داده می‌بختند و پس از بیرون آوردن از کوره و سرد شدن با رنگهای



شکل ۱۴. کوزه دسته‌دار شوش با نقش افزوده قالب زده قرن ۲ یا ۳ هجری

مختلف که از اکسیدهای فلزات گوناگون ساخته می‌شد، به ترسیم نقوش می‌پرداختند و پس از ریختن لعاب شفاف و بی‌رنگی بر روی آن مجدداً آنها را در کوره می‌پختند [۳۳].

یکدسته از این سفالها که مهمترین مراکز ساخت آن را می‌توان نیشابور دانست با نقوش سیاه یا قهوه‌ای تیره تزئین می‌کردند. این نقوش از پرندگان و نقوش گیاهی قالب زده و نوشته‌هایی به خط کوفی تشکیل می‌شده است یکی از ویژگیهای این سبک عدم تراکم نقش و ایجاد فضای خالی در تزئین زمینه می‌باشد [۳۴].

یکی از نمونه‌های این نوع سفال شکل ۱۵ با نوشته به خط کوفی بشقابی است از نیشابور که گفتاری از حضرت محمد را دارا می‌باشد که ترجمه آن این است «هر که به پاداش خداوند اعتقاد و یقین دارد در بخشش گشاده‌دست است» [۳۵].



شکل ۱۵. تصویر صفحه ۴۹ کتیبه‌های سفال نیشابور

گروه دیگر از سفال با پوشش گلی ظروفی است که با نقوش رنگارنگ روی زمینه سفید تزیین گردیده است [۳۶].

هـ) سفال با لعاب پاشیده. در قرن دوم هجری ارتباط تجاری ایران با کشور چین گسترش یافت و بسیاری از دست ساخته‌های چین به ایران صادر گردید. در این زمان که مصادف با دوره تاریخی «تائنگ» در کشور چین است نوعی سفال که همان شیوه تزیین با لعاب پاشیده شده بر روی ظروف سفالی است در ایران رواج یافت. این نوع سفال در شهرهای ری، شوش، گرگان و نیشابور ساخته می‌شد [۳۷]. ظروف سفالی با تزیین لعاب پاشیده به دو صورت انجام می‌شد:

سفالهای نوع اول. ظروف را با لعاب گلی پوشش داده و سپس با لعاب سربی و رنگهای متنوع به صورت نقطه‌چین یا لکه‌هایی روی ظروف را می‌پوشانیدند. این نوع ظروف ساخت چین اغلب از سه رنگ، سبز، آبی و زرد کهربایی استفاده می‌شد ولی ظروف ساخت ایران علاوه به این سه رنگ، رنگ ارغوانی نیز به کار می‌رفته است [۳۸].

سفالهای نوع دوم. به صورت نقش کنده و لعاب پاشیده است که از ابداعات سفالگران ایرانی بوده که توانستند بعد از گذشت زمانی کوتاه از تقلید نوع اول به این نوع تزیین دست یابند. نقوش کنده عموماً شامل نقوش گیاهی، اسلیمی و به ندرت نقش پرندگان بود. و شهرهایی چون نیشابور، تخت سلیمان، ری و گرگان را می‌توان از مهمترین مراکز ساخت آن دانست. ساخت این نوع سفال حدود سه قرن در ایران و سایر سرزمینهای اسلامی ادامه داشت [۳۹].

سفالهای نوع سوم. در این نوع سفال ابتدا ظروف با پوشش گلی سفیدرنگ در زیر لعاب سربی پوشانده شده و سپس نقاط زیادی از سطح ظروف با نقش کنده آرایش می‌شده، در مرحله بعدی با لعاب سبز یا لعاب شفاف پوششی می‌گردید.

سفال گبری. این نوع سفال بسیار شبیه سفالهای پیش از اسلام است و از این جهت گبری نامیده می‌شوند زیرا مسلمانان ایرانیانی که دارای دین زرتشتی و سایر ادیان قبل از اسلام را داشتند «گبر» می‌نامیدند.

زیباترین نقوش کنده شامل نقش انسان و یا توأم انسان و حیوان ساخته شده است. این دسته از ظروف به این سبب گبری نامیده می‌شود که ادامه شیوه و سنتهای قبل از اسلام بویژه دوره ساسانی بوده و سفالگران از نقوش و طرحها فلزکاری گذشته،



شکل ۱۶. سفال گبری

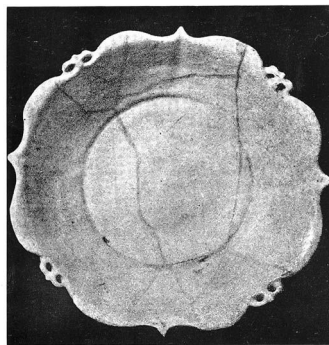
در بوجود آوردن نقوش سفالی استفاده کرده‌اند، بعنوان مثال بسیاری از اینها با جامهای فلزی دوره ساسانی قابل مقایسه است. از این نوع ظروف تا قرن چهارم و پنجم هجری ساخته می‌شده است [۴۰].

سفالهای نوع چهارم. سفالهای یکرنگ از متداولترین ظروف بوده که ساخت آن در ایران قبل و بعد از اسلام در مراکز سفالگری رواج داشته است. در ادوار اسلامی پوشش ظروف با لعابهایی به‌رنگهای لاجوردی، آبی، سبز، زرد، قهوه‌ای، سفید و بیشتر از همه با لعاب آبی یا فیروزه‌ای ساخته شده است.

سفال دوره سلجوقی و خوارزمشاهی

قرن پنجم و ششم هجری تحول و پیشرفت و گسترش ساخت ظروف سفالین با لعاب یکرنگ در دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان مشاهده می‌شود. این تحول از یک طرف تزیینات گوناگونی مانند نقش کنده، یا قالب زده را شامل می‌شود. از طرف دیگر آشنایی هنرمندان سفالگر با نوعی خاک چینی است که همزمان با دوره سلجوقی در دوره سونگ سال (۹۶۰-۱۲۷۹ میلادی) در چین متداول بود و به خاورمیانه صادر می‌شد نکته جالب‌توجه اینکه گرچه سفالگران برای تهیه ظروف سفالین از خاک وارداتی از

چین (Porcelain) استفاده کردند ولی از نظر تکنیک آغازگر تحول ویژه‌ای بوده‌اند [۴۲]. زیباترین ظروف یک رنگ، نوع سفید آن است (شکل ۱۷) که با خاک چینی توسط سفالگران دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان به کار برده شده است. این گروه سفالها دارای بدنه بسیار نازک و لعابی شفاف هستند. از این نوع سفالها در نیشابور و گرگان و ری به دست آمده است [۴۳]. ساخت ظروف با لعاب یکرنگ در اغلب مراکز سفالسازی ایران که در تمام ادوار اسلامی ادامه داشته، در دوره سلجوقی و خوارزمشاهیان به شکوفایی رسید. در صنعت کاشی‌سازی نیز لعاب یکرنگ به کار رفته و کاشیهای یکرنگ زینت بخش بناهای مذهبی و غیرمذهبی ایران است [۴۴].



شکل ۱۷

سفال با تزئین زیرلعاب

به غیر از دوران سلجوقی و خوارزمشاهی در دوران ایلخانی و تیموری تحول تازه‌ای در روش نقاشی زیرلعاب به وجود آمد. به این ترتیب که سفالگران ادوار یاد شده به جای لعاب سرب از لعاب قلیایی برای پوشش و نقاشی ظروف خود استفاده کردند. استفاده از لعاب قلیایی سفالگران را قادر ساخت که نقوش زیبایی در زیر لعاب شفاف بوجود آورند. این نقوش اغلب با دو رنگ آبی و سیاه انجام می‌گرفته ولی گاهی رنگهای فیروزه‌ای، لاجوردی و سبز تیره نیز به آن افزوده می‌شد. رایجترین تزئین به این شیوه ظروفی است که با رنگ آبی در زمینه سفید نقاشی شده‌اند. گل این نوع سفال سفید و

نخودی است و شکل ظروف بسیارمتنوع می‌باشد در میان نقوش حیوانات و پرندگان و نقوش گیاهی با برگهای متراکم و بالاخره نقوش انسان، طرحهای مجالس بزم، نوازندگی و شکار بیش از همه استفاده می‌شده است (شکل ۱۸) نقوش انسانها تحت نفوذ نقاشی و مینیاتور آن دوره قرار گرفته است [۴۵].



شکل ۱۸

تزیین متداولی که در ظروف با نقاشی زیرلعاب کاشان به‌کار رفته طرح تقسیم سطح داخلی ظروف به چهار یا شش یا هشت قسمت است (شکل‌های ۱۹ و ۲۰) که با خطوط پهن انجام گرفته و فواصل آنها گاه با نوشته فارسی و گاه با گل‌های تزیینی و طرح‌های اسلیمی پر شده است [۴۶]. ساخت ظروف با نقاشی زیرلعاب تا قرن هشتم هجری متداول بوده است.

رنگهایی که در تزیین سفالهای مینایی به‌کار برده شده شامل آبی، فیروزه‌ای، سبز، سفید یا قهوه‌ای، قرمز، سیاه و زرد است که در مواردی تمام این رنگها به‌کار رفته و زمانی از بعضی رنگها استفاده شده است [۴۷].